



بخش قاتل ۱۷سال پس از قتل

مردی که ۱۷سال قبل در جریان یک درگیری طایفه‌ای در خوزستان مرتکب قتل شده بود، با اعلام گذشت اولیای دم از قصاص نجات یافت. این درگیری در حاشیه اهواز اتفاق افتاد و این مرد دستگیر و به قصاص محکوم شد. با وجود قطعی شدن رای اما با پدرمیانی بزرگان منطقه سرانجام اولیای دم قاتل را بخشیدند.

آن‌سوی مرز

دستگیری خانم شهردار

به اتهام تجاوز



شهردار یکی از شهرهای ایالت لوئیزیانا در آمریکا به اتهام تجاوز به پسرى نوجوان دستگیر شد.

به گزارش همشهری به نقل از گاردین، این زن تنها زنی بود که توانسته بود در تاریخ شهر دى ریدر در لوئیزیانا به سمت شهردار دستت پیدا کند. این زن ۴۲ساله که میبستی رابرت زن نام دارد، درحالی که برای رقابت در انتخاب شهردار جدید آماده می شد، ناگهان با نوشتن نامه‌ای از سمت خود استعفا داد و مردم شهر را شوکه کرد. هر چند ابتدا معلوم نبود که دلیل استعفاى او چیست، اما حالا معلوم شده که وی درست یک روز پس از اینکه متوجه شده پلیس تحقیقاتی را دربارۀ رابطه او با یک پسر نوجوان آغاز کرده، تصمیم به استعفا گرفته است.

اما تحقیقات پلیس زمانی آغاز شد که پسر نوجوانی شکایتی علیه خانم شهردا مطرح کرد و مدعی شد که از سوی وی هدف آزار و اذیت جنسی قرار گرفته است.
با شکایت پسر نوجوان، مأموران به تحقیق از وی و پسر نوجوان دیگری که ظاهراً شاهد این ماجرا بوده، پرداختند و متوجه شدند که خانم شهردار بر خلاف میل پسر نوجوان، او را مجبور به این رابطه کرده است. به این ترتیب و با تکمیل تحقیقات، دستور بازداشت این زن صادر شد و او از سوی پلیس دستگیر و با اتهام تجاوز روبه‌رو شد؛ اتهامی که می‌تواند برای وی تا ۵سال حبس به همراه داشته باشد. درحالی که پلیس ایالت جزئیات کمی از اتهامات علیه خانم شهردار را مطرح کرده‌ام، وکیل این زن مدعی شده که او بی‌گناه است. با این حال، پلیس در جریان تحقیقات انجام‌شده، شواهدی به دست آورده که نشان می دهد خانم شهردار گناهکار است و به همین دلیل دادگاه برای او قرار وثیقه صادر کرده است. قرار است این زن به‌زودی در دادگاه حضور یابد تا به اتهامش رسیدگی شود.

رویداد

مرگ پدر فداکار

برای نجات دخترش در دریا



مرد جوان وقتسی دخترش را دید که در امواج دریا دستت و پا می زند و در یک قدمی مرگ است به دل دریا زد و او را نجات داد، اما خودش گرفتار امواج خروشان دریا شد و جانش را از دست داد.

به گزارش همشهری، این حادثه هولناک عصر جمعه در ساحل آباد ای بابلسر اتفاق افتاد. آن روز به‌دلیل تعطیلی، ساحل شلوغ‌تر از همیشه بود و مسافران و گردشگران زیادی برای تفریح آمده بودند. خیلی‌ها برای شنا به دریا زده بودند. خانواده‌ای هم از بابل برای تفریح به ساحل بابلسر آمده بودند. اعضای خانواده کنار ساحل نشسته بودند و دختر ۱۳ساله‌شان مشغول بازی بود. او با چند کودک دیگر دوست شده بود و در دریا آب‌تنی می‌کردند. پدر خانواده همینطور که نشسته و گرم صحبت بود، یک چشمش هم به دریا و دختر بچه‌اش بود و او را می‌پایید.

چند دقیقه‌ای گذشت و پدر وقتی نگاهش را رویه دریا چرخاند دیگر دخترش را ندید. سراسیمه از جایش بلند شد و این بار در میان هیاهو و ازدحام گردشگران، دقیق‌تر نگاهی به دریا کرد. دریا با صحنه هولناکی روبه‌رو شد. دختر بچه گامی دست و سرش از آب بیرون می آمد و فریاد می زد، اما در آن شلوغی هیچ‌کس صدایش را نمی شنید. او در غرق شدن بود. مرد جوان دیدن این صحنه فرصت را از دست نداد و دوان دوان داخل دریا رفت و با چند جیش بلند خودش را به دخترش رساند. دختر بچه آب زیادی خورده بود و شرایط خوبی نداشت، اما پدر فداکار توانست او را از مرگ نجات دهد. او دخترش را به‌سختی به نزدیکی ساحل رساند و در آنجا چند نفر از گردشگران به کمکش آمدند و دختر بچه را از او گرفتند و به ساحل رساندند.

همه نگاه‌ها به دختر بچه بود و همه خوشحال بودند که پدر فداکارش توانسته پیش از غرق شدن او را نجات دهد. تعدادی از ناجیان غریق سر رسیدند و اقدامات اولیه را برای نجات دختر بچه انجام دادند. وقتی وضعیت او عادی شد، سراغ پدرش را گرفت. تا آن زمان هیچ‌کس به فکر پدر دختر بچه نبود و همه به فکر نجات او بودند. دختر بچه چند مرتبه گفت: بابا، بابا و بعد از آن بود که تعدادی از گردشگران و ناجیان دوباره به دریا زدند و جست‌وجو برای یافتن پدر دختر بچه آغاز شد. چند دقیقه بعد آنها بیکر بی‌جان پدر فداکار را که در دریا غرق شده بود، پیدا کردند و از آب بیرون کشیدند.

نقی کریمیان، رئیس هیات نجات غریق و غواصی مازندران در این باره گفت: فرد جانی‌بخته اهل امیر کلاهی بابل و مساکن می‌اندشت بود و ۲۹ساله داشت. او تلاش کرد جان دختر خردسالش را نجات دهد، اما خودش غرق شد. وی ادامه داد: از همه گردشگران که برای تفریح به سواحل شمالی کشور می‌ی‌بند تقاضا دارم به هشدارهای ناجیان غریق توجه کنند تا شاهد حوادث تلخ نباشیم.

دادگاه

مردی که از ۲۵سال پیش به جرم قتل به قصاص محکوم شده بود و در زندان خوزستان به سر می برد با تلاش واحد صلح و سازش و

خیرین و گرفتن رضایت اولیای دم از قصاص نجات یافت و از زندان آزاد شد.

به گزارش همشهری، اواسط شهریور سال ۱۳۷۸، به پلیس دزفول گزارش شد زن جوانی در خانه‌اش به قتل رسیده است، با حضور تیمی از کارآگاهان در محل حادثه معلوم شد که زن جوان بر اثر خفگی جان یافته و مقداری پول و طلا از خانه‌اش به سرقت رفته است. این زن که اهل لرستان بود و سرپرستی ۴فرزندش را بر عهده داشت، به همراه آنها برای کار راهی دزفول شده بود و در آن خانه زندگی می کرد. شواهد نشان می داد که انگیزه قتل سرقت بوده و قاتل یا قاتلان شبانه و زمانی که اعضای این خانواده در خواب بودند، وارد خانه شده‌اند و پس از قتل مادر خانواده دست به سرقت زده و گریخته‌اند. سرخ‌ها و شواهدی که در صحنه جنایت و تحقیقات میدانی به دست آمده بود پلیس را به ۴مرد رساند که در این جنایت نقش داشتند. هر ۴نفر آنها در عملیاتی جداگانه دستگیر شدند و در بازجویی از آنها معلوم شد که عامل اصلی جنایت یکی از آنهاست که جوانی ۳۰ساله است. او با همدستی ۴نفر از دوستانش برای سرقت راهی خانه مقتول شده و دست به این جنایت زده بود.

ناخواسته قاتل شد

متهم در بازجویی‌ها گفت: مقتول را می‌شناختم و می‌دانستم که تنها زندگی می‌کند. برای همین نقشه سرقت از خانه‌اش را کشیدم و این موضوع را با دوستانم مطرح کردم. قاتل افزود: شب حادثه وقتی برای سرقت به خانه‌اش رفتم، زن جوان از خواب بیدار شد و شروع به سر و صدا کرد. در ترس اینکه مبادا با داد و فریاد بچه‌ها هم بیدار شوند و گیر بیفتیم دهانش



مرد جوان فرشته نجات ۴بیمار شد

اعضای بدن مرد جوانی که در جریان یک حادثه رانندگی دچار مرگ مغزی شده بود، زندگی ۴ بیمار نیازمند رانجات داد. کلیه‌ها، کبد و بخشی از پوست این مرد که حمیدرضا براتی بهلولی نادى نام داشت و ساکن سرپیشه در استان خراسان جنوبی بود، با اعلام رضایت خانواده‌اش زندگی ۴ بیمار نیازمند را نجات داد.

روایت پاکبان کاشانی از ماجرای پیدا کردن بسته میلیار دی و رساندن آن به صاحبش

یک میلیون تومان مزد گانی گرفتیم

سرپلند شده است.

او ادامه می‌دهد: «بعد از تماس با صاحب پول، او بلافاصله خود را به شهرداری رساند و از من و مجموعه شهرداری تشکر کرد و به عنوان مزدگانی یک‌میلیون تومان به من داد. من هم آن را بین همکاران پاکبانم تقسیم کردم که نفری ۲۰۰هزار تومان به هر کدام‌مان رسید.»

او اضافه می‌کند: «برای من مهم این بود که پول‌ها به صاحب اصلی‌اش برسند. من توقعی از آنها بابت مزدگانی نداشتم؛ چرا که من با خدا معامله کردم. متوجه ارزش کارم هستم و برایم مهم است پولی به خانه ببرم که با کار کردن و زحمت کشیدن آن را به‌دست آورده‌ام.»

این پاکبان می‌گوید: «قبلاً هم زمانی که به جمع آوری ضایعات مشغول بودم، یک روز حین کار یک گوشی موبایل در بین ضایعات پیدا کردم؛ گوشی نو و گران قیمتی بود. وقتی این گوشی را دیدم که این کیسه چقدر ارزش دارد، نخستین چیزی که به ذهنم رسید، چهره نگران صاحب آن بود؛ اینکه اکنون در چه حالی است و چقدر دنبال کیسه گشته است. دعا می‌کردم که راهی پیدا شود تا بتوانیم پول‌ها را به صاحبش برگردانیم.»

شماره تلفن

روفتگر پاکدست و مسئولان شهرداری شروع به جست‌وجو برای یافتن سرنخی از صاحب کیسه کردند. او می‌گوید: «آقای شریفی درون کیسه را که بازرسی کرد، روی یک بسته پول، شماره تلفنی از یک شرکت پیدا کرد. به‌نظر می‌رسید که بسته متعلق به این شرکت باشد. بعد از تماس مشخص شد که صاحب کیسه گمشده یکی از کارآفرینان معروف کاشان است.»

موفقیت در یک امتحان

صباغیان وقتی متوجه شد صاحب پول پیدا شده، بسیار خوشحال شد و خدا را شکر کرد که در این امتحان موفق و



کیسه چیست، اما وقتی آن را برانداز کردم، به‌نظم آمد که باید داخلش پول باشد. به این سو و آن سو نگاه کردم، اما فردی را هم ندیدم که دنبال چیزی بگردد؛ با این حال بسته را داخل گازی‌ام گذاشتم تا بعد از روشن شدن هوا به‌دنبال صاحبش بگردم.»

کیسه یک‌میلیارد تومانی

پاکبان ۵۳ساله وقتی هواروشن شد و کارش را تمام کرد، در کیسه را باز کرد. او ادامه می‌دهد: که هر روز از ساعت ۷تا ۷صیح، معابر اطراف میدان کمال‌الملک تا چهارراه امام(ره) را جارو کند تا لقمه نان حلالی سر سفره ببرد و خرج زندگی‌اش را بردهد، اما روز جمعه ۱۲مرداد بودی که اتفاق عجیبی برایش رخ داد که به‌گفته خودش بیشتر شبیه آزمون بود.

او در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: «روز

جمعه به‌دلیل اینکه باید به جایی یکی از همکارانم که بیمار بود هم کار می‌کردم، زودتر

به سر کارم رفتم. جارو را برداشتم و طبق معمول صبح‌های دیگر مشغول جارو کردن

و نظافت خیابان و معابر شدم. ساعت حدود

۲:۲۰صبح، یک کیسه در کنار جوی آب توچهم

را جلب کرد. در ابتدا مشخص نبود که در این

فرار از قصاص بعد از ۲۵سال حبس



را بستیم، اما او من را دیده و شناخته بود. برای همین از ترس اینکه لو برویم او را با بسیم تلفن خفه کردم و بعد از سرقت پول و طلاهایش فرار کردیم.

محاکمه

مدتی بعد جلسه محاکمه متهم در دادگاه کیفری خوزستان آغاز شد. در ابتدای جلسه، اولیای دم که مادر و ۳فرزند مقتول بودند، در جایگاه قرار گرفتند و برای متهم در خواست قصاص کردند. قاتل نیز در جلسه محاکمه بار دیگر جزئیات شب حادثه را شرح داد و در خواست بخشش کرد. او می‌گفت که پشیمان است و قصد جنایت نداشته و از ترس و ناخواسته زن جوان را به قتل رسانده است. با این حال با توجه به درخواست اولیای دم، قضات دادگاه او را به قصاص محکوم کردند.

۲۵سال پشت میله‌های زندان

هر چند متهم به قتل به رأی دادگاه اعتراض کرد، اما این رأی در دیوان عالی کشور تأیید و شمارش معکوس برای اجرای حکم قصاص آغاز شد. با وجود قطعی شدن حکم قصاص، از آنجا که اولیای دم برای اجرای حکم باید تقاضای دیه مرد و زن را پرداخت می‌کردند، اجرای حکم به تعویق افتاد و مرد محکوم به قصاص همچنان در زندان بود. در تمام سال‌هایی که قاتل در زندان به سر می‌برد واحد صلح و سازش دادسرا و خیرین، بزرگان عشایر و ایلات باها برای گرفتن رضایت از اولیای دم اقدام کرده بودند، اما تلاش هیچ کاره به جایی نبرد. در این شرایط، مرد محکوم به قصاص ۲۵سال از عمرش را پشت میله‌های زندان گذراند و به این امید که شاید روزی آزاد شود زندگی کرد. او در این سال‌ها تنها توبه کرده بود، بلکه حافظ کلام قرآن و نهج‌البلاغه شده بود و در فعالیت‌های فرهنگی زندان هم مشارکت مستمر داشت. به همین دلیل، تارش واحد صلح و سازش برای گرفتن رضایت اولیای دم ادامه داشت.

سر انجام بخشش

مرد محکوم به قصاص سال‌ها در زندان ماند و اتفاقات تلخی که برای خانواده اولیای دم افتاده بود باعث شد پرونده به سرانجام نرسد. مقتول ۵۰ه‌ختر و یک پسر داشت که طی این سال‌ها یک دختر و یک پسر او بر اثر بیماری جانشان را از دست دادند و به این ترتیب اولیای دم فقط مادر مقتول و یکی از فرزندان او بودند. در محرم امسال شیخ علی زبید که یکی از فعالان اجتماعی خوزستان است و تاکنون در پرونده‌های زیادی باعث صلح و سازش شده، با درخواست واحد صلح و سازش دادسرا و دادگستری خوزستان برای گرفتن رضایت از اولیای دم وارد این پرونده شد. او در جلسات مختلفی که با اولیای دم داشت در نهایت متوجه شد در ماه محرم امسال و در جریان بوش «به عشق حسین (ع) می‌بخشم» آنها را راضی به گذشت کند و اولیای دم به حرمت ماه محرم، بدون هیچ قید و شرطی از قصاص گذشتند. بدین ترتیب، مرد زندانی بعد از ۲۵سال تحمل حبس، آزاد و این پرونده منتهی‌م شد.

مکت



راهی دادسرای جنایی تهران شدند و او را بخشیدند. آنها اعلام کردند که از دخترشان شهر بازی خیر داد و گفت: دستور بررسی رعایت استانداردهای لازم در این شهر بازی صادر شد و باید همه ابعاد و جوانب مورد بررسی دقیق کارشناسی قرار گیرد. به گفته دادستان عمومی و انقلاب ساوجبلاغ دختر حادثه دیده در بیمارستان بستری است، ولی شرایط مطلوبی ندارد.

یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۳ - شماره ۹۱۷۰



صفحه ۱ از علیرضا بهرامی

داخلی

سارق جوان پس از هر بار سرقت دچار عذاب وجدان می‌شد

نامه عجیب سارق برای مالباخته‌ها

چوان ۲۵ساله که همه رویایش راه اندازی یک شرکت تجاری بود، برای رسیدن به آن، وارد بازی خطرناکی شد و به عضویت یک باند سرقت در آمد. او اما پس از هر بار سرقت، دچار عذاب وجدان می‌شد و برای اینکه از عذابش بکاهد، برای مالباخته‌ها نامه می‌نوشت.

به گزارش همشهری، در اواسط هفته گذشته مأموران پلیس آگاهی تهران، اعضای یک باند سرقت را دستگیر کردند که به خانه‌ها دستبرد می‌زدند. همه اعضای این باند سسابقه‌دار بودند به جز یک نفر. کم سن و سال‌ترین عضو گروه، احسان نام داشت که هیچ‌گونه سابقه‌ای در پرونده‌اش نداشت و نخستین باری بود که دست به سرقت می‌زد. عجیب اینکه هر سرسی‌ها نشان می‌داد که احسان پس از هر سرقت دچار عذاب وجدان می‌شد و یک برگه روی یخچال خانه مالباخته‌ها می‌چسباند با این مضمون که «لطفا مرا ببخشید...» او حالا در گفت‌وگو با همشهری از انگیزه خود برای ارتکاب سرقت‌ها و پشیمانی عجیبش پس از هر سرقت می‌گوید.

تحصیل کرده‌ای؟

بله. لیسانس مدیریت دارم. سال‌ها زحمت کشیدم و درس خواندم تا برای خودم اسم و رسمی داشته باشم، اما به بن بست رسیدم.

چرا یک جوان تحصیلکرده

باید تبدیل به سارقی حرفه‌ای شود؟ چون هر چه تلاش کردم به خواسته‌هایم نرسیدم. نه پشتوانه مالی دارم و نه پدر و مادری پولدار. به سختی توانستم درس بخوانم و وارد دانشگاه شوم. یعنی هم درس می‌خواندم و هم کار می‌کردم. همه رویایم این بود که یک شرکت تجاری برای خودم تأسیس کنم اما سرمایه‌اش را نداشتم. برای همین تصمیم گرفتم وارد باند سرقت شوم تا سرمایه اولیاهم جور شود. البته قصدم این بود که پول‌های دزدی را بعداً به صاحبانشان برگردانم و این دیگر اسمش دزدی نبود، قرض بود. انگار از آدم‌های غریبه قرض می‌گرفتم تا در آینده نه‌چندان دور به آنها برگردانم. به همین دلیل بود که در هر سرقت، چند خط برای مالباخته‌ها می‌نوشتم تا بدانند من سارق نیستم.

اما به‌نظر می‌رسد نامه‌هایی که می‌نوشتی بیشتر به‌خاطر این بود که عذاب وجدان خودت کمتر شود.

این هم درست است. من ذاتاً دزد و خبیث نیستم. دلم نمی‌خواست پول حرام وارد زندگی و کسب و کارم شود.

توی نامه‌هایت چی می‌نوشتی؟

اینکه من دزد نیستم و به‌زودی پولشان را برمی‌گردانم یا حلالم کنید و ایسین پول را به‌عنوان قرض بسه یک جوان بیکار در نظر بگیرید. به‌خودم قول داده بودم بعد از تأسیس شرکت، بدهی‌هایم را برگردانم.

چطور به یادت می‌ماند که چند مورد سرقت

انجام داده‌ای؟

برای این کار دفترچه‌ای تهیه کرده بودم. تمامی آدرس‌ها و پولی را که منهم من از هر سرقت می‌شد داخل آن می‌نوشتم. حتی تصمیم داشتم قرضم را در نرخ بازار از برگردانم. مثلاً ۲۰۰گرم طلا برای فلان مالباخته‌و...

برگردیم به روزی که سرقت‌ت را شروع کردی. توضیح بده که چطور با اعضای باند آشنا شدی.

یکی از اعضای گروه، از اقوام دورمان بود. او وقتی از زندان آزاد شد به دیدنم آمد و گفت که می‌خواهد به خانه‌ها دستبرد بزند. می‌گفت مردم در خانه‌هایشان پول و طلانگه می‌دارند که راحت می‌شود با شکرگدی خاص وارد خانه‌ها شد و به راحتی نقشه سرقت را اجرا کرد.

با چه شگردی؟

یکی از اعضای باند می‌توانست با کارت تلفن در خانه‌ها را باز کند. بعد از آن ما وارد می‌شدیم و اموال با ارزش را به سرقت می‌بردیم.

چطور دستگیر شدید؟

ظاهراً در یکی از سرقت‌ها، یکی از اعضای باند، ماسک خود را برداشته بود تا بطوری آب‌نوشد. از قضا دوربین مداربسته‌ای که رویه‌روی ساختمان بود، چهره او را ثبت کرده بود؛ چون سابقه‌دار بود، لو رفت و همگی دستگیر شدیم.

پلمب شهر بازی ساوجبلاغ

به خاطر حادثه دلخراش

شهر بازی ساوجبلاغ که چند شب قبل دختری ۱۷ساله در آنجا دچار حادثه‌ای دلخراش شده بود با دستور مقام قضایی پلمب شد. به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۲۳:۴۰ چهارشنبه شب گذشته در شهر بازی پارک مادر ساوجبلاغ در استان البرز اتفاق افتاد و در جریان آن دختری ۱۷ساله از یکی از وسایل بازی به نام فریزری سقوط کرد. در این حادثه دختر نوجوان از ناحیه گوش، دست و پاها به شدت مصدوم و توسط امدادگران اورژانس به بیمارستان امام جعفر صادق (ع) شهر هشتگرد منتقل شد. به دنبال این اتفاق، شهر بازی با دستور قضایی و تاروشن شدن علت حادثه و شناسایی مقصران پلمب شد. حمید غلامی، دادستان عمومی و انقلاب ساوجبلاغ در این باره گفت: بلافاصله پس از اطلاع از این حادثه، دستور پلمب و بررسی ابعاد و جزئیات اتفاق به نیروی انتظامی توسط دادستانی صادر شد.

وی با اعلام اینکه این شهر بازی در حال حاضر پلمب و تحقیقات در حال جریان است از احضار چندین فرد از جمله پیمانکار این شهر بازی خبر داد و گفت: دستور بررسی رعایت استانداردهای لازم در این شهر بازی صادر شد و باید همه ابعاد و جوانب مورد بررسی دقیق کارشناسی قرار گیرد. به گفته دادستان عمومی و انقلاب ساوجبلاغ دختر حادثه دیده در بیمارستان بستری است، ولی شرایط مطلوبی ندارد.